

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دوره جدید، شماره اول، بهار سال ۱۳۷۶

## آلن تورن جامعه‌شناس نو مارکسیستی: جامعه برنامه‌ریزی شده و جنبشهای اجتماعی

دکتر حبیب احمدی  
دانشگاه شیراز



خلاصه:

آلن تورن<sup>(۱)</sup> یکی از چهره‌های مشهور فرانسوی در جامعه‌شناسی نو مارکسیستی اخیر است که تعدادی از کتابها و مقالاتش به انگلیسی ترجمه شده است. یکی از مقالات بحث‌برانگیز او به نام «آیا جامعه‌شناسی هنوز به مطالعه جامعه می‌پردازد»<sup>(۲)</sup> می‌باشد که در سال ۱۹۸۹ منتشر شده است. او در جامعه برنامه‌ریزی شده یا فراصنعتی تخصیص اجتماعی جدیدی یافته که در آن فن‌سالاری<sup>(۳)</sup> و مدیریت در تخصیص یا گروه‌های وسیعی از جامعه مانند کارگران قرار گرفته‌اند. عقاید تورن از بعضی جهات با نو مارکسیستهای دیگر نظیر سی‌رایت میلز<sup>(۴)</sup> و دارندورف<sup>(۵)</sup> تفاوت دارد. او با این نظر سی‌رایت میلز که قدرت در دست گروه کوچکی از نخبگان است موافق نبوده و معتقد است که دولت بخشهای بزرگ اقتصادی را اداره می‌کند و نمی‌تواند به عنوان ابزار سلطه نخبگان مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. همچنین برخلاف دارندورف تغییرات اجتماعی را براساس طبقه و اقتدار تحلیل نمی‌کند. یکی از پیش‌فرضهای اساسی تورن این است که جامعه‌شناسی و جامعه تغییر یافته و مفاهیمی چون نظم، اجماع و وحدت اجتماعی، دیگر برای جامعه‌شناسی مهم نیستند. آنچه برای جامعه‌شناسی مهم است؛ تغییرات اجتماعی، ماهیت قدرت و جنبشهای اجتماعی نوین از قبیل جنبشهای دانشجویان و اعتراضات ضد هسته‌ای می‌باشد.

## مقدمه:

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، به علت پیدایش بحران در مارکسیسم، پایان نظریه پردازیه‌های کلان جامعه‌شناسی پس از پارسونز، و افول و فروپاشی ساخت‌گرایی،<sup>(۶)</sup> نظریه‌های جامعه‌شناسی از مکاتیب کلاسیک مانند مارکسیسم، کارکردگرایی<sup>(۷)</sup> و ساخت‌گرایی به طرف نو مارکسیسم،<sup>(۸)</sup> فراساخت‌گرایی،<sup>(۹)</sup> و فرانوگرایی<sup>(۱۰)</sup> روی گرداند.

از دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک، اعم از متفکران لیبرال و رادیکال، ریشه‌های تضاد و تخصم<sup>(۱۱)</sup> در کشمکش بین سرمایه و کار مشاهده شده است. اما تئورن طرحی نو از تضاد و تخصم اجتماعی ترسیم کرد. وی در جامعه فراصنعتی،<sup>(۱۲)</sup> تضاد و تخصم اجتماعی جدیدی یافته که در آن فن سالاری و مدیریت در برابر گروه‌های بزرگ مانند کارگران، کارکنان فنی، مصرف‌کنندگان و دانش‌آموزان صف کشیده‌اند. پیش‌فرضهای تئورن در تبیین نهادهای اجتماعی از بسیاری جهات با نو مارکسیستهای دیگر از قبیل سی‌رایت میلز و دارن‌درف متمایز است. مثلاً او با «نخبگان قدرت»<sup>(۱۳)</sup> میلز در توضیح جامعه سرمایه‌داری موافق نیست. به اعتقاد تئورن در جامعه فراصنعتی مفاهیمی چون تصمیم‌گیری، استراتژی و تغییر برای جامعه‌شناسی معاصر اهمیت بیشتری یافته‌اند. این بدین معنا است که کنشگر اجتماعی<sup>(۱۴)</sup> یا عامل اجتماعی<sup>(۱۵)</sup> مهمتر از تصور سنتی نظم است. وی برای توضیح جامعه فراصنعتی بر فرایندهای تغییرات اجتماعی، ماهیت قدرت و شکل‌گیری جنبشهای اجتماعی متمرکز می‌شود. این مفاهیم در این مقاله ارزیابی خواهد شد.

## مطالعه جامعه:

به عقیده تئورن، جامعه، نظامی از کنش و روابط اجتماعی است. این عقیده، دیدگاهی جدید در جامعه‌شناسی کنش را در برابر دیگر انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی که بر کنش اجتماعی متمرکز شده‌اند؛ قرار می‌دهد. مثلاً در سنت ساخت - کارکردی پارسونز، انسجام جامعه متکی است بر اینکه چگونه گروه‌هایی اجتماعی متنوع بطور ساختاری به هم ارتباط دارند. در اثر پارسونز مجموعه‌ای از کنشهای اجتماعی وجود

دارد، کنشها معنای متفاوتی می‌گیرند و ارزش ویژه‌ای کسب می‌کنند. همچنانکه هر کنشی جایگاهی کارکردی در ارتباط با دیگر کنشها به دست می‌آورد؛ ساخت اجتماعی کارکردهای مختلف را خلق می‌کند. اما معنای اصطلاح «ساخت» برای تورن بسیار متفاوت از معنای آن در نظر پارسونز است. در دیدگاه تورن، جوامع انسانی خلاق بوده و قادر به تولید و تغییر الگوهای کارکردیشان در جهت آفرینش دانش جدید می‌باشند.

به عقیده تورن «یک جامعه به وسیله دو جریان مخالف شکل می‌گیرد: یکی از این جریانها، واقعیتهای تاریخی را ایجاد نموده، سازمان داده، و در نظم و قدرت استحاله می‌نماید. جریانهای دیگر این نظم را، با کشف مجدد تضادها و انتخاب استراتژیهای جدید، از طریق نوآوریهای فرهنگی و جنبشهای اجتماعی فرو می‌ریزند».

(Touraine, 1981, p. 31)

بنابراین تورن این پیش‌فرض کارکردگرایان را که جامعه می‌تواند به نظامی از ارزشها تقلیل یافته و این نظامهای ارزشی قادر است زمینه را برای کنشهای تاریخی ایجاد نماید، رد می‌کند. او همچنین با این پیش‌فرض که جامعه چیزی جز کنش متقابل بین انسانها نیست، نیز مخالف است. او می‌گوید: «مردان و زنان موضوع قوانین تاریخی و ضرورت مادی نیستند. زیرا که آنها از طریق آفرینشهای فرهنگی و کشمکشهای اجتماعیشان تاریخ خود را می‌سازند».

(Touraine, 1983, p. 5)

بعلاوه از دیدگاه تورن، نمی‌توان گفت که افراد در موقعیتی مشخص حرکتی مشخص ایجاد می‌کنند؛ زیرا کنشهای اجتماعی انسانها بطور استمرار در حال خلق مجموعه‌ای از هنجارهاست که جدا از یک موقعیت زمانی و مکانی بی‌معنی است. بعنوان مثال، ساختار خانواده، بعنوان یک نهاد اجتماعی عبارت است از آنچه خانواده در حال انجام دادن آن بوده و چگونگی کنش و واکنش با سایر گروهها در یک لحظه معینی از تاریخش می‌باشد. بنابراین ساخت نتیجه فعالیت انسان است و مردم در یک ساخت اجتماعی ایستا و از قبل ساخته شده، کنش نمی‌کنند. ساخت جامعه، ساختار چگونگی حرکت یک گروه است و گروه تنها با خاصیت حرکتش هویت پیدا می‌کند.

در خصوص موضوع جامعه‌شناسی، تورن معتقد است که موضوع جامعه‌شناسی از این زمان به بعد مطالعه جامعه نیست. این بدین علت است که تغییرات عمده‌ای در

جوامع صنعتی یا فراصنعتی رخ داده است. این تغییرات عبارتند از: تغییرات سریع اقتصادی، تداخل و نفوذ تغییرات اجتماعی در زندگی روزمره مردم و بین‌المللی شدن واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی. این تغییرات موجب تغییر در تصور از جامعه و نظم آن شده که در نوشته‌های جامعه‌شناسان کلاسیک از قبیل دورکیم، ماکس وبر و پارسونز بسیار اساسی بوده است. بعنوان مثال، دورکیم، در تبیین خودکشی، اشاره به وضعیتی در نظام ارتباط اجتماعی بین موقعیت و اشکال رفتار دارد. در حالی که در تحلیل تورن این تنها یک مرحله به سوی تحلیلی است که به وسیله آن کلماتی چون ارتباط اجتماعی، موقعیت و اشکال رفتار تغییر یافته‌اند. ارتباط اجتماعی به وجود نمی‌آید مگر آنکه کنشگران در یک حوزه فرهنگی در حال عمل باشند. زیرا یک کنش تنها وقتی اجتماعی است که کنش بدرستی به وسیله واقعیت تاریخی که در همان زمان در یک ارتباط اجتماعی واقع شده است؛ رخ داده باشد. به عبارت دیگر، موضوع جامعه‌شناسی، مطالعه ارتباطات اجتماعی است. می‌توان گفت که جامعه‌شناسی می‌بایست به جای مفهوم سنتی از نظم بر کنشگر اجتماعی یا عامل اجتماعی تمرکز کند. به اعتقاد تورن، امروزه دیگر نمی‌توان در تحلیل جامعه بر اصول نظم تکیه نمود بلکه تنها می‌توان درباره کنش، تغییر و ارتباطات فکر کرده و براساس آنها درباره جامعه نظریه‌پردازی نمود (Touraine, 1989).

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### جنبش‌های اجتماعی: (۱۶) رتال جامع علوم انسانی

آلن تورن مانند بسیاری از نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت از قبیل آفا (۱۷) و هابرماس، (۱۸) جنبش‌های اجتماعی را به عنوان نیروهای اجتماعی رویاروی با نهادهای دولت دیوان‌سالار، اتحادیه‌های تجاری و احزاب سیاسی تحلیل می‌کند. امروزه جنبش‌های اجتماعی در تلاشند که ارتباطات فرهنگی، نژادی، جنسی و امثال اینها را جایگزین روابط تکنیکی، عقلانی، خشونت‌آمیز، استثمار و کالایی کنند. تورن در ارتباط با ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید و اشکال مختلف فعالیت‌هایی که به وسیله این جنبشها شکل گرفته‌اند؛ اطلاعات ارزشمندی ارائه داده است. از نظر وی جنبش‌های اجتماعی جزئی از نظام کنش تاریخی هستند که در آن واقع شده‌اند. به اعتقاد او پیوندی

مستقیم بین کشمکشهای طبقاتی و اشکال تغییرات اجتماعی وجود دارد.

تورن می‌گوید که تصور جامعه‌شناسی کلاسیک از جامعه، از جنبشهای ملی جدا نشدنی بوده و تصور آگاهی جمعی مافوق تمام آگاهیهای متعلق به یک دولت ملی بود. امروزه، هویت افراد بطور فزاینده‌ای بیش از تعلقشان به یک دولت، به وسیله ارتباطات رقابتی، همکاری و تخصص که در درون آنها گرفتارند تعیین می‌شوند. این عوامل در تعیین هویت افراد بیش از عضویت آنها در جمعیتهایی که می‌توانسته است براساس ارزشهای حاکم بر جمعیتها به آنها هویت بدهد، مؤثر بوده است. نوع دیگر از تغییرات اجتماعی به بررسی تفاوت بین زندگی خصوصی و عمومی مردم می‌تواند مشاهده شود. این نوع تغییرات اجتماعی به ماهیت طبقات، تعلیم و تربیت و سیاست در جوامع مدرن وابسته‌اند. به اعتقاد تورن، تغییرات اجتماعی حاصل کنش گروههای خاص اجتماعی که بوضوح محدود شده باشند نظیر کارگران مزدبگیر در یک کارخانه نیست زیرا امروزه ما به جای گروههای خاص مردم، یک ملت یا عموم مردمی داریم که مثلاً تلویزیون تماشا کرده یا خدمات پزشکی و بهداشتی دریافت می‌کنند. بر این اساس، به نظر تورن، جامعه‌شناسی و جامعه تغییر یافته‌اند و بنابراین مفاهیمی از قبیل نظم، اجماع، وحدت اجتماعی دیگر برای جامعه‌شناسی مهم نیستند؛ آنچه برای جامعه‌شناسی مهم است؛ تغییرات اجتماعی یا جنبشهایی از قبیل جنبشهای دانشجویان، اعتراضات ضد هسته‌ای و جنبشهایی که برای دست‌یابی به تساوی حقوق زن و مرد انجام می‌شود، می‌باشد. هر چند آلن تورن بعنوان یکی از نظریه‌پردازانی که به مطالعه جنبشهای اجتماعی پرداخته است، شناخته شده است، بدیهی است که مطالعه تغییرات در طبیعت و زندگی اجتماعی موضوع جدیدی بوده و تاریخی بس طولانی دارد.

هراکلیتوس<sup>(۱۹)</sup> فیلسوف یونانی می‌گوید: «یک نفر نمی‌تواند دو بار در یک رودخانه وارد شود». این بدین معنی است که هر چیزی در حال تغییر است. همچنین مولوی، حکیم، فیلسوف و شاعر ایرانی می‌گوید: «آب این رودخانه بارها تغییر کرد ولی تصویر ماه و ستاره بر آب هنوز بر جای مانده است». همچنین علاقه به مطالعه تغییرات اجتماعی در میان بعضی از جامعه‌شناسان معاصر مانند سی‌رایت میلز و دارندرف، که بعنوان نظریه‌پردازان مکتب تضاد شناخته شده‌اند، مشاهده می‌شود. اما دیدگاه تورن،

درباره تغییرات اجتماعی و جنبشهای اجتماعی، همانطوری که ذکر شد؛ با سایر صاحب نظران مکتب تضاد تفاوت دارد.

### ویژگیهای جامعه برنامه ریزی شده: (۲۰)

تورن اظهار می دارد که یک نوع جدید از جوامع، اکنون در حال شکل گیری است. این جوامع جدید را بر حسب ماهیتهای تولیدی که دارند و سازمان اقتصادی شان، می توان جوامع برنامه ریزی شده یا فراصنعتی نامید، زیرا از جوامع صنعتی که پیش از آنها وجود داشته اند؛ متفاوت هستند. این جوامع به خاطر شیوه های نظارتی تولید، توزیع اطلاعات و شبکه تصمیمات اقتصادی و سیاسی با جوامع قرن نوزدهم تفاوت دارند. چنین عواملی الگوهای سنتی زندگی اجتماعی را واژگون کرده اند، زیرا همه ابعاد زندگی اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، مصرف و اطلاعات بیشتر و بیشتر در آنچه را که عوامل تولید نامیده می شوند یافته اند.

به اعتقاد تورن، در جوامع برنامه ریزی شده، بیشتر سرمایه گذاریها بر حسب استانداردهای سنتی نیازهای بشر هدایت و کنترل نشده اند، بلکه بر پایه توسعه و افزایش سرمایه و افزایش قدرت عمل می کنند. در نتیجه در چنین جوامعی، اهمیت نسبی سطوح آگاهی بالا به لحاظ تعلق به طبقه کارگر، ارزش و اهمیت ارتباطات اجتماعی، همسایگی و مفهوم شهروندان خوب محو شده اند. بر اساس نظریه تورن: «نوع جامعه ای که ما اکنون در آن زندگی می کنیم بیشتر تحت تأثیر رشد اقتصادی است تا عوامل دیگر. سیمای فردی شده زندگی خصوصی و شیوه های زیستی مردم توسط تحرک اجتماعی و جغرافیایی فزاینده، اشاعه بسیار زیاد اطلاعات و تبلیغات و مشارکت سیاسی گسترده تر پیش از پیش، بغایت متأثر شده و حتی تخریب شده است.» (Touraine, 1971, p. 5)

بنابراین در جوامع برنامه ریزی شده، مفهوم ماهیت بشر و میراث فرهنگی توسط نظامی از تولید، که در آن هر کسی پایگاه اجتماعی خاص خودش را داشته و مجموعه نقشهایش درون اجتماع سلسله مراتبی و تنظیم شده قرار دارد، معنی پیدا می کند.

در جوامع فراصنعتی نقش خانواده در جامعه پذیری و تعلیم و تربیت فرزندان بشدت کاهش یافته است. حتی مدرسه بعنوان سازمان آموزشی خودمختار ملاحظه شده است.

در چنین جوامعی مشکلات اساسی در ارتباط با نقش اجتماعی دانش در نهادهای آموزشی وجود دارد. سیاست، راهش را به درون دانشگاهها باز کرده است، زیرا دانش یک عامل تولید است. دانشگاهها هم فرایندهای تولید و هم شورشهای اجتماعی را دنبال می‌کنند، زیرا فشارهای اجتماعی و قدرت کنترل دولت در دانشگاهها کمتر از هر جای دیگر وجود دارد. نهاد آموزش و پرورش در جوامع برنامه‌ریزی شده بصورت خودمختار درآمده و بچه‌ها را بعنوان شهروندان خوب تربیت نمی‌کند. به اعتقاد تورن در گذشته نهاد آموزش و پرورش در ارتباط با پرورش دانش‌آموزان در جهت وحدت ملی، خلق یک روح اجتماعی متحد و ملی‌گرا عمل می‌کرد، در حالی که امروزه مدارس بعنوان عامل وحدت دهنده جامعه، مطرح نیست و فرصتهای آموزشی برای همه اعضای جامعه فراهم نموده و نابرابریهای اجتماعی را اعمال می‌کند. نقش مدارس، رشد فردگرایی با اتکا به زندگی خصوصی است.

در ارتباط با سیاست، تورن معتقد است که امروزه نظم سیاسی از نظم اجتماعی و جنبشهای اجتماعی از نیروهای سیاسی جدا شده است. تاریخ اخیر بسیاری از کشورهای برنامه‌ریزی شده نشان می‌دهد که قدرت زاییده از انقلابات فقط سازنده نیست بلکه مخرب همان نهضتهای اجتماعی است که باعث انقلاب شده‌اند. اکنون تصور نظم شاهنشاهی تغییر کرده و می‌رود تا پادشاه را بطور کلی انکار کند و در مقابل آن دموکراسی تمایل به احترام به اقلیتها و احترام به حقوق فردی همه اقشار مردم را دارد که به اعتقاد تورن نتیجه حاصل از این شرایط سیاسی، گسترش فردیت در زندگی خصوصی است.

در ارتباط با پیچیدگی مشکلات در جوامع برنامه‌ریزی شده، تورن معتقد است که: «در جوامع برنامه‌ریزی شده، اتحادیه‌های کارگری بازیگران اصلی در کشمکش بر سر قدرت اجتماعی نیستند. نقش آنها در ارتباط با مشکلات و مسائل سازمان تولید هنوز مهم است. اما آنها بیشتر نقش واسطه‌ای بین کارگران و کارفرمایان را دارند. بحثها و کشمکشهای آنها بیشتر به تصمیم‌گیرها ارتباط دارد تا توزیع قدرت. بنابراین، این بحثها و کشمکشها در آمریکا و اروپا و یا در بلوک شوروی بر توزیع واقعی قدرت اجتماعی تأثیر ندارد.» (Touraine, 1971, pp. 17-18) بنابراین، احتمال کمی وجود دارد که جنبشهای

اتحادیه‌های کارگری بتواند به احزاب کمونیست و دموکراتهای اجتماعی رادیکال برای حل مشکلات اقتصادی اجتماعی جامعه از قبیل میزان بالای بیکاری، رشد نظامیگری و نقض حقوق بشر کمک کند.

### ارزیابی انتقادی:

بطور کلی نظریه کارکردگرایی و تضاد، بعنوان دو رویکرد عمده در تاریخ جامعه‌شناسی شناخته شده است. در حالی که رویکرد کارکردگرایی بر ثبات، اجماع، یگانگی، تعادل، نظم و هماهنگی در جامعه یا نظام اجتماعی تأکید کرده و می‌کوشد تا پدیده‌های اجتماعی را براساس این مفاهیم، تبیین نماید. رویکرد تضاد متوجه تضاد، عدم وحدت، عدم تعادل، کشمکش و تغییر برای فهم واقعیت‌های اجتماعی است. گرچه این واضح است که تورن به رویکرد تضاد متعلق است ولی این برای شرح جهت‌گیری وی کافی نیست.

در جامعه‌شناسی معاصر، رویکرد تضاد، متفکران بسیاری را دربرگرفته که با پیش‌فرضها و جهت‌گیریهای نسبتاً متفاوت شناخته شده‌اند. آبراهام،<sup>(۲۱)</sup> آلن تورن، باتومور،<sup>(۲۲)</sup> استوجانویک<sup>(۲۳)</sup> و هابرماس را بعنوان چهره‌های معروف اروپایی مکتب فرانکفورت یا نظریه انتقادی معرفی نموده است. آنها اقتدارگرایی،<sup>(۲۴)</sup> فرهنگ توده‌ای<sup>(۲۵)</sup> و جنبشهای اجتماعی مختلف را بعنوان مفاهیم و ابعاد اساسی مکتب انتقادی و نو مارکسیستی مورد بحث قرار داده‌اند.

مکتب تضاد را می‌توان به دو رویکرد اصلی تقسیم نمود: یکی از این دو رویکرد، اصول مقدم اولیه،<sup>(۲۶)</sup> را برای تصمیم‌گیریها، استراتژیها، سازمان تغییر و جنبشهای اجتماعی فراهم نموده و بر روی حکمرانی نخبگان<sup>(۲۷)</sup> و گروههایی که در تغییرات اجتماعی نقش رهبری کننده را بازی می‌کنند؛ تکیه نماید. رویکرد دوم بر شکل‌گیری کنش‌گران اجتماعی و توانایی آنها در مذاکرات و جدال با صاحبان قدرت متمرکز شده است. نظریه تورن بیشتر جزء رویکرد اول محسوب می‌شود. هرچند که تورن از جامعه‌شناسان تضادگراست، دیدگاه او با نظریه پردازان مکتب تضاد مانند مارکس، دارندرف و سی‌رایت میلز متفاوت است. در نظر مارکس تاریخ چیزی جز کشمکش



طبقاتی بین مالکان ابزار تولید و صاحبان نیروی کار نیست. گرچه دارندرف معیار تعلق به طبقه را اقتدار می‌داند او نیز تغییرات اجتماعی را براساس مفهوم طبقه، تبیین نموده است.

از نظر سی‌رایت میلز، قدرت در دست گروه کوچکی از نخبگان است که در سلسله مراتب سیاسی، صنفی و نظامی از جایگاه بالایی برخوردار بوده و تمام تصمیمات عمده، توسط این نخبگان، که منافعیشان به هم گره خورده است، گرفته می‌شود (Aronowitz, 1988). تورن با این نظریه سی‌رایت میلز موافق نبوده و معتقد است که دولت بخشهای بزرگ اقتصادی را اداره می‌کند و نمی‌تواند منحصرأ بعنوان ابزار سلطه نخبگان مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. در مقابل مارکس و دارندرف، تورن در تحلیلهای خود تنها به اصطلاحات مالکیت یا اقتدار بسنده نمی‌کند.

تورن بر مفهوم تغییرات اجتماعی بسیار تأکید نموده است در حالی که ثبات و تغییر، دو چهره یک پدیده‌اند و نمی‌توان به آسانی آنها را از هم جدا کرد. فرایند نوسازی، نمی‌تواند بدون تغییر برخی از نهادهای اجتماعی دنبال شود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که تمام جنبشهای اجتماعی، حتی آنهایی که در جوامع غربی رخ می‌دهند؛ رسیدن به یک وضعیت متعادل را هدف قرار داده‌اند. در غیر این صورت، زندگی اجتماعی وضعیتی خواهد داشت که هابز (۲۸) آن را «جنگ همه علیه همه» (۲۹) نامیده است. بنابراین جامعه‌شناسی باید تغییر و ثبات، تضاد و اجماع، تجدد و حفظ ویژگیهای فرهنگی را با هم مورد ملاحظه و مطالعه قرار دهد. زیرا همه اینها از یک واقعیت واحد بوده و به هم ارتباط دارند.

به اعتقاد تورن در مطالعه جنبشهای اجتماعی، بحث تاریخی درباره جنبشهای کارگری که در زمان گذشته شکل گرفته، موضوع اصلی نیست بلکه ظهور جنبشهای اجتماعی جدید در جامعه برنامه‌ریزی شده که بطور عقلانی و تکنیکی طراحی شده‌اند؛ اهمیت داشته و قابل بررسی است. تورن یک الگوی «نوع‌آرمانی» (۳۰) جامعه برنامه‌ریزی شده از گذار از جنبشهای اجتماعی کهن از طریق حذف الگوهای فرهنگی جامعه سنتی به سمت زایش جنبشهای اجتماعی نوین را طراحی می‌کند.

براساس نظریه تورن، تغییرات و جنبشهای اجتماعی، جامعه غربی را به سمت فردیت‌کشانیده و مفاهیمی چون شهروند خوب و تعلق به یک گروه اجتماعی، دیگر مهم

نیستند. از طرف دیگر او ادعا می‌کند که جامعه‌شناسی، باید کل‌گرا<sup>(۳۱)</sup> باشد (هرچند این ادعا می‌تواند قابل قبول باشد). اما چگونه می‌توان اینها را کنار هم گذاشت؟ آیا این موجّه است که بگوییم زیربنای تعلیم و تربیت در جوامعی مانند چین، پاکستان و ایران یک فرهنگ آزاد یا ایدئولوژی آزاد است؟ به عبارت دیگر آیا تعریف تعلیم و تربیت در جوامع شرقی، رشد فردیت و غیرجمعی بودن است؟ جامعه‌شناسی تورن، چگونه می‌تواند بعنوان یک جامعه‌شناسی کل‌گرا توصیف شود در حالی که او چنین فرض می‌کند که مسائل و مشکلات جوامع غربی با مسائل و مشکلات جوامع شرقی مشابه نیستند؟ آیا می‌توان در تبیین جامعه این پیش‌فرض را که «جنبشهای اجتماعی پدیده‌های عام و جامعی هستند که قادرند تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی را در سراسر جهان تحت پوشش قرار دهد» را نادیده گرفت؟ عقاید تورن عمدتاً زیربنای اروپایی داشته و جامعه غربی را از بیرون مورد تحلیل قرار داده است. علاقه وی به رد مفهوم جامعه و تأکید زیاد او بر مفهوم جنبشهای اجتماعی مسأله‌ای قابل تعمق است.

### پیوست:

- 1- Alain Touraine
- 2- is Sociology still the study of society?
- 3- Technocracy
- 4- S. W. Mills
- 5- Dahrendorf
- 6- Structuralism
- 7- Functionalism
- 8- Neo - Marxism
- 9- Post - structuralism
- 10- Post - modernism
- 11- Struggle
- 12- Post - industrial society
- 13- Power elite
- 14- Social actor
- 15- Social agent
- 16- Social Movements
- 17- Offe
- 18- Habermas

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

- 19- Heraclitus
- 20- Programmed Society
- 21- F. Abraham
- 22- T. B. Bottomore
- 23- S. Stojahovic
- 24- Authoritarianism
- 25- Mass culture
- 26- Priority
- 27- Rulingelits
- 28- Habbes
- 29- The war of all against all
- 30- Ideal type
- 31- Globalistic

## منابع

- 1- Touraine Alain, 1989, "Is sociology still the study of society?" In thesis Eleven, no. 23, translated by Johann Arnason.
- 2- ....., 1988, Return of the Actor, translated by Myrna Gadzich, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- 3- ....., 1980, The Voice and the eye: An analysis of social movement, translated by Alan Duff, London: Cambridge University Press.
- 4- ....., 1971, The Post-Industrial Society, translated by Leonard F. X. Mayhew, London: Butler and tanner Ltd.
- 5- ....., 1983, Solidarity: The analysis of a social movement: Poland, 1980-1981, translated by David Denby, London: Cambridge University Press.
- 6- ....., 1979, The May movement, revolt and reform: May 1968- the student rebellion and workers, strikes- the birth of a social movement, translated by Leonard F. X. Mayhew, New York: Rando House.
- 7- Abraham Francis, 1982, Modern sociological theory: an introduction, London: Oxford University Press.
- 8- Aronowitz Stanley, 1988, Science as power: discourse and ideology in modern society, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- 9- Parsons Talcott, 1937, The structure of social action: a study in social theory, New York, N. Y.: McGraw-Hill.